



حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ (۲۰) وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَاءَ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ (۲۱)﴾

مشرکان حجاز گذشته از اینکه درباره توحید ربوبی مشکل جدی داشتند و همچنین درباره معاد منکر بودند درباره وحی و نبوت هم مشکل جدی داشتند و قرآن کریم را معجزه نمی دانستند و این را کلام شعری یا معاذالله سحر تلقی می کردند لذا به پیغمبر صل الله علیه و آله و سلم می گفتند یا کتابی غیر از این بیاور یا خطوط کلی همین کتاب را عوض کن گاهی می گفتند اگر پیغمبری چرا معجزه نمی آوری آنچه که مربوط به تغییر کتاب یا تغییر خطوط کلی کتاب بود در آیات ۱۵ و ۱۶ همین سوره مبارکه یونس گذشت آنچه مربوط به اختراع و پیشنهاد معجزه تازه است در آیه ۲۰ و ۲۱ مطرح است که گفتند چرا معجزه نمی آوری این حرف را در بسیاری از آیات قرآن کریم ذات اقدس اله از آنها نقل کرد بعد پاسخ داد که مگر قرآن کریم معجزه نیست و ما این معجزه بین را برای شما آوردیم و شما نمی پذیرید در سوره مبارکه عنکبوت آیه ۵۰ و ۵۱ به این صورت بیان شده ﴿وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ﴾ فرمود شما در مبدأ فاعلی آیه سؤال دارید یا در همان امر نازل شده و آیه الهی اگر درباره مبدا فاعلی آیه بحث می کنید که به دست ما نیست آن به اراده ذات

اقدس اله وابسته است ﴿ما كان لرسول أن يأتي بآية إلا بإذن الله﴾^۱ این را ذات اقدس اله باید برابر آن علم الهی اراده بکند و معجزه‌ای بدست پیغمبر ظهور پیدا کند اگر درباره نازل شده سخن دارید خوب این معجزه است دیگر این آیه الهی است مشکل شما چیست لذا به هر دو مطلب عنایت کرده است یعنی در آیه ۵۰ و ۵۱ به هر دو مطلب عنایت دارد یکی راجع به مبدأ فاعلی معجزه است فرمود ﴿قل إنما الآيات من عند الله و إنما أنا نذير مبين﴾ هم در بارة خود آن نازل شده پاسخ دادند فرمودند ﴿أولم يكفهم أنا أنزلنا عليك الكتاب يتلى عليهم إن في ذلك لرحمة وذكرى لقوم يؤمنون﴾ آنها معجزه می‌خواهند ما هم کتاب آوردیم و معجزه ماست اگر در اعجاز او تردید دارید ﴿فأتوا بسورة من مثله﴾^۲ ﴿إن كنتم في ريب مما نزلنا على عبدنا فأتوا بسورة من مثله﴾^۳ در آیه محل بحث تهدید کرد فرمود که شما هدفشان مکر در این آیات الهی و توهین این آیات الهی و تحقیر آنها و معجزه را به مسخره گرفتن است انکار معجزه کردن است و مانند آن اکنون که نصاب به اینجا رسید ﴿فانتظروا إنني معكم من المنتظرين﴾ این تهدید است در همین سوره مبارکه یونس آیه‌ای که در پیش داریم یعنی آیه ۱۰۲ این سوره این است که ﴿فهل ينتظرون إلا مثل أيام الذين خلوا من قبلهم قل فانتظروا إنني معكم من المنتظرين﴾ * ثم ننجي رسلنا و الذين آمنوا كذلك حقاً علينا ننج المؤمنين﴾ فرمود حادثه سهمگینی و عذاب الهی می‌آید که در این عذاب فقط انبیاء و پیروان آنها سالم و محفوظ می‌مانند و شما در طعمه عذاب فرو می‌روید اینکه منتظر باشید یعنی منتظر عذاب الهی یک تهدیدی را به همراه دارد نظیر آنچه که در پایان سوره مبارکه هود آمده آیه ۱۲۲ که ﴿وانتظروا إننا منتظرون﴾ * الله غيب السموات و الأرض﴾ موارد دیگری نیز هست که سخن از انتظار است و دعوت به انتظار است آنها هم از

۱ - رعد ، ۳۸ .

۲ - بقره ، ۲۳ .

۳ - بقره ، ۲۳ .

سنخ تهدید است پس چه در سوره مبارکه هود و چه در سوره مبارکه یونس که امر به انتظار می‌کند این در حقیقت در سیاق تهدید است.

اما این سوال که چون قرآن کریم کتاب تدوین و مطابق با نظام تکوین است در نظام تکوین حق و باطل مخلوط است در قرآن کریم هم معاذ الله باید حق و باطل مخلوط باشد این سخن ناصواب است برای اینکه گرچه قرآن کتاب تدوینی خداست و برابر با تکوین است ولی در نظام تکوین که باطل نیست یعنی هیچ موجودی در آسمانها و زمین باطل خلق نشده نه بی‌هدف است نه بی‌راه است نه بی‌ساختار درونی هر موجودی چه در آسمان باشد چه در زمین این عناصر سه گانه اصلی را داراست یعنی هم هدف دارد يك، هم راهی است که آن را به هدف برساند خلق شده دو، هم ابزار ساختار درونی او طوری است که با طی کردن این راه می‌تواند به آن مقصد برسد سه، این می‌شود حق این است که وجود مبارك موسى کلیم فرمود ﴿رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾^۴ یعنی هر چیزی را با ساختار منظم آفرید بعد او را هدایت کرد به مقصدش پس مقصدی هست يك، راهی هست دو، ابزار و ساختار درونی طوری است که اگر به کار گرفته شود به مقصد می‌رسد این سه ، ﴿أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ﴾ خلق او را آن چه لایق اوست و مناسب اوست در خور اوست به او داد ثم هدی هدایت کرد او را به هدف رساند ذره ای در آسمان و زمین باطل وجود ندارد این يك اصل قرآنی است که تکوین منزله از بطلان است چه اینکه در سوره مبارکه آل عمران هست که ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾^۵ خودش هم قریب به این مضمون در چند جای قرآن کریم آمده است که ﴿خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ﴾^۶ ﴿مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ

۴ - طه، ۵۰.

۵ - آل عمران، ۱۹۱.

۶ - انعام، ۷۳.

كفروا ﴿٧﴾ ﴿ما خلقناهما إلا بالحق﴾^٨ تمام موجودات آسمان و زمین به حق خلق شده‌اند هیچ کدام از اینها باطل نیست در قرآن کریم هم همینطور است ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ﴾^٩ یعنی قرآن حق است نسخ نمی‌شود بطلانش ظاهر نمی‌شود چون بطلانی ندارد و حق محض است ولی همانطوری که در نظام تکوین فسادى بوسیله طاغیان راه پیدا می‌کند ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾^{١٠} هست ﴿يَبْغُونَهَا عِوَجًا﴾^{١١} هست یعنی ما راه را کج نکردیم ما همه این راهها را مستقیم خلق کردیم يك کسی می‌آید حالا این راه را خودش کج می‌کند ﴿يَبْغُونَهَا عِوَجًا﴾^{١٢} ما فرض کنید این کارگاه تمام این آهنها و میل گردها را مستقیم خلق کردیم برای اینکه آن مستقیم است که کار آمد است برای معماری و مهندسی حال يك کسی در اثر سوء اختیار خودش یکی از این آهنها را کج کرده اوست که کج کرده و انسان می‌تواند مثل این کج بکند اما آنچه کج می‌کند در حیطه نفس خودش است نه در تکوین در تکوین ممکن است چیزی را به هم بزند و منفجر بکند و آتش بزند ولی نظام نظام هم وقتی خواست آتش بزند برابر نظم آتش می‌زند حالا بر فرض خواست يك جایی را منفجر بکند با يك اصول فنی ریاضی مهندسی شده چقدر مواد تی ان تی (YNT) لازم دارد کجا کار بگذارد کی کار بگذارد چه ساعتی آن کلیدش را بکشد و روشن کند و شاسی آن را بکشد اینطور نیست که هر جایی را بخواهند منفجر کنند بدون اصول مهندسی و بی حساب و کتاب باشد بر فرض هم خلاف هم بخواهند بکنند نظم دارد حالا بر فرض هم کسی خواست بیراهه برود بالاخره بیراهه رفتن هم نظم دارد اینکه بیراهه یعنی بدون علل و اسباب درباره نظام تکوین

٧ - ص، ٢٧.

٨ - دخان، ٣٩.

٩ - فصلت، ٤٢.

١٠ - روم، ٤١.

١١ - اعراف، ٤٥.

١٢ - اعراف، ٤٥.

اینچنین است که نظام تدوین هم همین است این قرائتهای مختلف تفسیر به رأیها است همین طور است قرآن کریم منزّه از آن است که باطل را بپذیرد ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ﴾^{۱۳} چه اینکه نظام تکوین هم همین است و ولی همینطوری که ﴿إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَعِزَّةً أَهْلِهَا أَذِلَّةً﴾^{۱۴} يك، همانطوری که ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾^{۱۵} دو، و همانطوری که ﴿إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا﴾^{۱۶} سه، و از این آیات دیگران هم ﴿يَحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾^{۱۷} منتها در تورات و انجیل تحریف خود تورات ممکن بود برای آنها اینجا تحریف قرآن محال است و اما تفسیر به رأی و اختلاف قرائت و پلورالیزم و اینها بساطش پهن شده این بطلانی است در محدود اندیشه خود آنها و گر نه در حریم قرآن راه ندارد چه اینکه در حریم نظام هم راه ندارد.

اما این سوال که آنچه را که مرتاضها می کنند حق است یا نه؟ ممکن است کسی پیغمبر نباشد و خبر از غیب بدهد این هم پاسخش داده شد که آنچه که مرتاضها انجام می دهند گاهی صدق است گاهی کذب گاهی با سهو و نسیان همراه است گاهی با تذکر چه اینکه بخش عظیمی از اینها در اثر ارتباط با جن است نه با فرشتگان.

اما این سوال که طینت افراد مختلف است یا نه البته طینت در حد اقتضاست اینطور نیست که علت تامه باشد و باعث جبر شود و اختیار را از انسان بگیرد.

اما آیه بعد ﴿وَ إِذَا أَدْقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسْتَهْمٍ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا﴾ فرمود که بشر طوری است که جزوع است قدرت تحملش کم است اگر يك حادثه ای تلخ باشد برای او فوراً به طرف خدا مراجعه می کند آیه ۱۲

۱۳ - فصلت، ۴۲.

۱۴ - نسل، ۳۴.

۱۵ - روم، ۴۱.

۱۶ - بقره، ۲۰۵.

۱۷ - مائده، ۴۱.

همین سوره مبارکه یونس که قبلاً گذشت به این صورت است که ﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لَجْنِبَهُ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا﴾ در آن آیه فرمود وقتی مشکلش را حل کردیم می‌رود و دیگر یادش نیست که به ما مراجعه کرده ﴿فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسِّهِ كَذَلِكَ زَيْنٌ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ این مال کسانی است که شکر گذاری نمی‌کنند اما آیه محل بحث چیز بدتر از آن را بیان می‌کند نسبت به کفار فرمود اینها مشکلاتی برایشان پیش می‌آید يك، ما مشکلشان را حل می‌کنیم دو، اینها بجای اینکه از ما قدردانی بکنند و موحد باشند به فکر براندازی هستند بعد فرمود اینها نمی‌دانند که اگر آنها بخواهند مکر بکنند مأموران مکر تر از آنها هستند این از آن لطائف آیات قرآن کریم است میزان را اگر کسی بخواهد بداند که میزان چیست حرفهایش چیست در این آیات مشخص می‌شود مثلاً يك آیه ای است که شما در خدمت تبیان هستید در خدمت مجمع البیان هستید در خدمت تفاسیر دیگر هم هستید اینها تفاوتشان در بعضی از وجوه و برخی از تقریرات است اما نوآوری در آنها خیلی کم است شما این بخش از میزان را حتماً ملاحظه کنید ببینید از این کریمه چه می‌خواهد استفاده کند فرمود ﴿وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسْتَهْمٍ﴾ اولاً نقص و عیب و مشکلات دامنگیر آنها می‌شود در اثر بدرفتاری و جهل و نسیان و سهو اینها کسی به اینها آسیب نمی‌رساند مگر در اثر قصور یا تقصیر خود اینها اما رحمت مال ماست ما می‌رسانیم این يك، و رحمت چون لذیذ است مثل آن است که آنها دارند می‌چشد و لذت می‌برند به ذائقه اینها می‌رسد در ذائقه آنها گوارا است به جای اینکه حق شناسی بکنند حالا که لذت برند می‌گویند ﴿قَدْ مَسَّ آبَاؤُنَا الضَّرَّاءَ وَالسَّرَّاءَ﴾^{۱۸} این تاریخ است این طبیعت است دیگر گاهی پشت به زین و گاهی زین به پشت یعنی گاهی آنطور است گاهی این طور است چیزی در کار نیست معاذ الله بعد درباره قرآن می‌گویند یا کتاب دیگر بیاور یا همین کتاب را اگر حفظ

کردی خطوط کلی‌اش را عوض کن یا معجزه دیگری بیاور شروع می‌کنند به این کارها این براندازی اینها ماکرانه است در سیاق مکر است ولی ما يك مدتی به اینها مهلت می‌دهیم چه اینکه در آیه ۱۲ فرمود به اینکه مشکلاتی که دامنگیرشان شد به ما مراجعه می‌کنند ما مشکلشان را حل می‌کنیم این هم می‌روند و یادشان می‌رود ما هم کاری به آنها نداریم فعلاً شکر نکردند موحد و مومن نشدند ما هم آنها را رها کردیم اما به این فکر باشند که با دین بازی کنند و بگویند این نیست و مکاری بکنند و پیغمبر را از بین ببرند و دین را براندازند اینها مهلت نمی‌دهیم چه کار می‌کنیم؟ مدبرات ما و مأموران ما پیش اینها هستند ﴿إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُوبُونَ مَا تَمْكُرُونَ﴾ و می‌کرون و مانند آن اینچنین نیست که آنها مثلاً پشت درهای بسته باشند و کاری بکنند و تصمیمی داشته باشند هر کاری که بخواهند بکنند مأموران ما آنجا حضور دارند و ثبت می‌کنند ﴿إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُوبُونَ مَا تَمْكُرُونَ﴾ این التفات از غیبت به خطاب است فرمود مواظب باشید هر کاری که بخواهید بکنید مأموران ما هستند می‌نویسند این را مثلاً در تبیان و مجمع البیان و تفسیرهای دیگر می‌نویسند و گزارش می‌دهند و اینها اما می‌نویسند که قرآن دارد و سیدنا الاستاد بهره می‌برد چیز دیگری است فرمود ﴿إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُوبُونَ مَا تَمْكُرُونَ﴾ این در مقام تحلیل است آن حکم معلل عبارت از این است که ﴿قُلْ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا﴾ شما اگر بخواهید مکر بکنید ذات اقدس اله مکرش بیش از شماست بدلیل اینکه مأموران الهی آنجا هستند و می‌نویسند خوب این چه تعلیل است؟ یادداشت می‌کنند یادداشت کردن که سرعت نیست حالا تا بشود قیامت و تا بشود ۵۰ هزار سال و تا بشود یوم الحساب خیلی طول می‌کشد مدعای شما این است که ﴿قُلْ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا﴾ این مدعا دلیل این است که چون مأموران ما آنجا می‌نویسند خوب حالا نوشتن چه دلیلی است بر اینکه خدا أسرع مکرراً است؟ اما اگر معنای کتابت مشخص شود معلوم می‌شود که خدا چگونه أسرع

مکراً است در بخشهای دیگر فرمود به اینکه اینها ﴿مکروا و مکر الله و الله خير الماکرين﴾^{۱۹} این اصل کلی بعد فرمود اینها ﴿یمکرون﴾ ﴿و لا یحیی مکر السیئ إلا بأهله﴾^{۲۰} این هم يك اصل کلی بعد فرمود اینها ﴿یمکرون﴾^{۲۱}

﴿و عند الله مکرهم و إن کان مکرهم لتزول منه الجبال﴾^{۲۲} این کم کم زمینه را نزدیک می‌کند که خدا چگونه أسرع مکراً است بیان سیدنا الاستاد این است که این ﴿یکتبون﴾ که ملائکه می‌نویسند چگونه می‌نویسند؟ یعنی مثلاً يك قلم دستشان است که می‌نویسند که فلان گروه در پشت درهای بسته اینگونه توطئه کردند؟ در فلان کنفرانس برای بر اندازی اینگونه گفتند اینکه أسرع مکراً نشد که فرمایش ایشان با استمداد از بعضی روایاتی که در ذیل آیه سورة مبارکه جاثیه آمده است به این صورت است آیه ۲۸ و ۲۹ سورة مبارکه جاثیه این است فرمود بساط قیامت که بهین شد ﴿و ترى كل أمة جاثية كل أمة تدعى إلى کتابها اليوم تجزون ما کنتم تعملون﴾ بعد می‌فرماید ﴿هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق﴾ به مردم آماده پذیرش عذاب در قیامت اینچنین خطاب می‌کند که این کتاب ماست نامه اعمال شما در دست ماست که ﴿ینطق علیکم بالحق﴾ چرا ﴿ینطق علیکم بالحق﴾؟ برای اینکه ﴿إنا کنا نستنسخ ما کنتم تعملون﴾^{۲۳} از آن روایاتی که جزء غرر کلمات اهل بیت است ذیل این آیه است که به کمک آن روایت سیدنا الاستاد به این نتیجه رسیده فرمود خدا در قیامت غمی گوید که مأموران ما بودند و هر چه شما می‌کردید می‌نوشتند این ﴿إن رسلنا یکتبون ما تمکرون﴾ باید تفسیر شود طبق آیه ۲۹ سورة مبارکه جاثیه فرمود خدا به اینها می‌فرماید ﴿إنا کنا نستنسخ ما کنتم تعملون﴾ این ما مفعول نستنسخ است در آن روایت وجود مبارک امام به آن مخاطبش می‌فرماید مگر شما عرب نیستید مگر جزو فصیحان عرب نیستید مگر قواعد عربی غمی دانید مگر غمی دانید استنساخ

۱۹ - آل عمران، ۵۴.

۲۰ - فاطر، ۴۳.

۲۱ - انفال، ۳۰.

۲۲ - ابراهیم، ۴۶.

۲۳ - جاثیه، ۲۹.

و نسخه برداری یعنی چه؟ استنساخ یعنی يك نسخه اصل وجود دارد يك، کسی آن نسخه اصل را تبدیل می‌کند از روی آن به يك نسخه دیگر این دو، اگر اینچنین باشد که اینها استنساخ کردند باید که نسخه اصل در جای دیگری باشد نسخه فرع در جای دیگر باید بگوئید استنسختُ عنه یعنی از آن او نسخه برداری کردم نستنسخ عنه از روی آن من نسخه برداری می‌کنم اما اینجا حرف جر ندارد محذوف هم نیست فرمود آن چیزی که پیش شما است که شما انجام می‌دهید این استنساخ ماست ﴿إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^{۲۴} پس متن عمل شما را ما استنساخ می‌کنیم پس متن عمل آن نسخه فرعی است پس نسخه اصلی کجاست؟ ندارد که ما از روی کار شما نسخه گرفتیم و عکس برداری کردیم فرمود آن چه که شما می‌کنید نسخه ماست اگر بفرماید آنچه که شما می‌کنیم ما می‌نویسیم خوب این همان کتابت متعارف است اما فرمود ما متن عمل شما را استنساخ می‌کنیم آنوقت این سؤال مطرح می‌شود که نسخه اصل چیست؟ اینی که اینها عمل می‌کنند که استنساخ شده است آن نسخه اصل کجاست فرمود ما روی کار شما نسخه برمی‌داریم که کار شما بشود اصل ما از روی کار شما نسخه برداری کنیم اینطور فرمود که فرمود کار شما استنساخ شده ماست آن نسخه اصل چیست؟ ﴿إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ یعنی متن عمل شما مستنسخ ماست ما مستنسخیم نسخه برداریم متن عمل شما مستنسخ ماست يك مستنسخ منه می‌خواهد، آن مستنسخ منه قضای الهی است وقتی ذات اقدس اله يك گروهی را مهلت داد عقل از درون نقل از بیرون همه راههای هدایت را برای او فراهم کرد دید او بیراهه می‌رود مدتها مهلت داد سالها مهلت داد در توبه و انابه را باز کرد ﴿يَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾^{۲۵} کرد دید او همچنان بیراهه می‌رود تا رسید به حدی که بخواهد يك نظام دینی را بردارد فرمود دیگر ما آنجا برابر قضای الهی فرمان صادر می‌کنیم که این شخص را با اندیشه و فکر و ابزار سیاسی او به

دلخواه او با توطئه او او را بگیرد این می شود نسخه اصل وقتی نسخه اصل شد درون این شخص شروع می کند به توطئه به فکر و اندیشه و اراده این متن عملی که از درون اینها می کشند و بیرون می آورند این نسخه بدل است نسخه اصل پیش خداست فرمود ما ﴿أَسْرِعْ مَكْرًا﴾ هستیم إِنْ لَدِينَا مَا تَفْكُرُونَ ما بنا میان بر این است که شما را حالا برداریم چگونه برمی داریم سیل و زلزله می آریم نخیل با دست شما با فکر و اندیشه شما را برمی داریم چگونه برمی داریم؟ شما اینچنین می اندیشید اینچنین توطئه می کنید اینچنین پشت درهای بسته نقشه می کشید اینچنین می خواهید کار بکنید ما متن کار شما را نسخه برداری می کنیم از روی آن اصل دستور سقوط شما از آنجا صادر شده ﴿إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ﴾ چه چیزی را ﴿مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^{۲۶} را خوب ﴿مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^{۲۷} نسخه اصلش کجاست یقوت است می گوید انا كنا نكتب ما كنتم تكرون نظیر آیه سوره یونس آن بحث ساده را دارد هر چه شما بکنید مأموران ما می نویسند ﴿وَرَسُولَنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ﴾^{۲۸} این يك معنای ساده دارد اما يك وقتی نمی گوید مأموران ما حرف و کار شما را می نویسند می فرماید مأموران ما کار شما را استنساخ می کنند یعنی متن کار شما نسخه بدل است نه اینکه می نویسند فلانها در فلان جا نشستند و تصمیم گرفتند اینگونه نیست ﴿مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ نسخه بدل است اگر ﴿مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^{۲۹} نسخه بدل است يك نسخه اصل هم دارد نسخه اصل لدینا است ان لدینا ما كنتم تكرون و ﴿اللَّهُ أَسْرِعُ مَكْرًا﴾ ما يك مدتی بالاخره مهلت می دهیم اینطور نیست که حالا انسان بخواهد با پیغمبر و با اسلام بازی کند ما هم مهلت بدهیم شما از آنجا دستور صادر می شود که اینها را با زبان و قلم اینها و اندیشه اینها را بگیرید این می شود نسخه اصل مأموران الهی در حقیقت مأموران اجرا هستند آنوقت آنچه را که اینها عمل می کنند

۲۶ - جائیه، ۲۱.

۲۷ - جائیه، ۲۹.

۲۸ - زخرف، ۸۰.

۲۹ - جائیه، ۲۹.

برابر نسخهٔ اصل عمل می‌کنند یعنی فرشتگان نمی‌بینند اینها چکار می‌کنند فرشتگاه يك چشمشان به آن قضا و قدر و لوح محفوظ الهی است يك چشمشان اینجاست دستشان هم در اندیشه‌ها و اراده‌های اینهاست از درون جان اینها این نسخه بدل را می‌کشند می‌آورند بیرون که مطابق نسخهٔ اصل است این است که وجود مبارك حضرت امیر می‌فرماید «واعلموا عباد الله أنَّ علیکم حُفَاطَ صدق من أنفسکم رصداً علیکم من أنفسکم» این بیانات نورانی حضرت امیر سلام الله علیه است در نهج البلاغه اینجا رصد خانه است رصد الهی است يك عده رقیب شمايند در مرصاداند در درون شمايند از اعضا و جوارح شمايند اندیشه شما و انگیزه شما رصد الهی است وقتی خواست شما را بگیرد فکر و اندیشه شما شما را می‌گیرد میل و هوش شما شما را می‌گیرد مگر هوش انسان مستقل است یا بنده خداست اگر هوش انسان جزء جنود سموات و الارض است همان هوش به فرمان الهی انسان را می‌گیرد جوری ابزار را بررسی می‌کند که انسان خیال می‌کند که این خردورزی به سود اوست بعد می‌بیند که به چاه افتاده فرمود «أَنَّ علیکم رصداً من أنفسکم أَنَّ جوارحکم جنوده و خلواتکم عیونه» فرود تمام اعضا و جوارح شما سربازان الهی است یکوقت هم يك حرفی می‌زند سقوط می‌کند يك فکری می‌کند سقوط می‌کند يك امضائی می‌کند که سقوط می‌کند بالاخره خدای متعال يك مدتی مهلت می‌دهد اینطور نیست که حالا همواره ستار باشد يك وقت هم ﴿إِنَّا مِنَ الْمَجْرَمِينَ مُتَتَعِقُونَ﴾^{۳۰} در می‌آید فرمود آنچه را که اینها عمل می‌کنند نسخه بدل است نسخهٔ اصل کجاست لدینا است پس ﴿قُلْ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا﴾ چرا أسرع مکرراً؟ برای اینکه قبل از اینکه این آقا به فکر این باشد که براندازی را در سر پیرواند خدا می‌خواهد که او را ساقط کند فرمود چون ما تصمیم گرفتیم که او را بی‌اندازیم در چاه این فکر را در او پیدا شد برای اینکه ما مدتها صبر کردیم اینها جزء حرفهایی نیست که در مجمع البیان پیدا شود یا در المنار

پیدا شود ﴿قُلْ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا﴾ چرا؟ ﴿إِنْ رَسَلْنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمَكَّرُونَ﴾ چه گونه یکتبون؟ ﴿إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^{۳۱} کار شما نسخه بدل است قضای ما نسخه اصلی است ما تصمیم گرفتیم شما را براندازیم لذا با فکر شما توطئه ای صورت گرفت به فکر کودتای نوژه بی افتید ما دهها بار به شما مهلت دادیم لذا این علت با آن معلوم می شود هماهنگ این مدعا با آن دلیل می شود سانخ ﴿قُلْ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا﴾ چرا؟ چون ﴿إِنْ رَسَلْنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمَكَّرُونَ﴾ چگونه یکتبون؟ ﴿إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^{۳۲} اگر ما همین را با آن روال عادی معنا کنیم این چه ربطی بین علت و معلول است و چه ربطی بین دلیل و مدعا است مدعا این است که ﴿قُلْ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا﴾ مکر خدا زودتر از مکر شما اثر می کند چرا برای اینکه مأموران ما می نویسند؟ می نویسند برای اینکه در قیامت باید شما حسابرسی کنید خیر مأمور می نویسد اینطور نیست که کار شما بشود نسخه اصل مأموران ما نسخه فرع داشته باشند که از روی کار شما بنویسند بلکه کار شما می شود فرع و قضا و قدر ما می شود اصل ما تصمیم گرفتیم شما را برداریم چگونه برمی داریم؟ ما لشگر کشی نمی کنیم که «إِنَّ جَوَارِحَكُمْ جُنُودُهُ» اینطور نیست که حالا از جای دیگر سرباز بیاورند که با زبان و دست آدم و با پای آدم يك جایی را نباید برورد می رود و حرفی را نباید بزند و می زند کاری که نباید بکند می کند و سقوط می کند.

سوال و جواب: نه این کیفر و انتقام الهی است و اشاره شد بعد از اینکه دهها بار خدای متعال مهلت داد اول ذات اقدس اله از راه عقل از درون از راه نقل از بیرون این شخص را هدایت می کند این شخص به سوء اختیار خودش دهها بار بیراهه رفت و خدای سبحان راه توبه و انابه را به او باز کرد رفقای خوب و کتابهای خوب و مواضع خوبی نصیب او کرد تشییع جنازه ها و مجالس ختمی نصیب او کرد و ماه مبارك رمضانهای نصیب او کرد

همه اینها موعظه است مجلس ختم و تشیع مرده و عیادت مریض و راهنمایی دوستان این است همه اینها را دید و بیراهه رفت ذات اقدس اله گفت همه اینها را که دیدی بیراهه رفتی ما ستاری کردیم بیا توبه کن «انت الذی فتحت لعبادك باباً إلى عفرك و سیّت التوبة» آن را هم پشت سر گذاشت و ﴿نبذ... کتاب الله وراء ظهورهم﴾^{۳۳} از آن به بعد ذات اقدس اله می بیند که او قابل نیست این نه تنها از این دین بهره ای نمی برد به فکر براندازی دین است دیگر خدا که به امثال این مهلت نمی دهد حالا که می خواهد بگیرد از جای دیگر لشکر کشی نمی کند چون ﴿الله جنود السموات و الأرض﴾^{۳۴} هم او را با امضای خود او می گیرد این متن اختیار است نه جبر.

پس اینکه فرمود ﴿قل الله أسرع مکراً﴾ این مدعا است چرا أسرع مکراً؟ برای اینکه ﴿إن رسلنا یکتبون ما تمکرون﴾ این را توضیح بدهید یعنی چه؟ چگونه یکتبون در سوره مبارکه جاثیه می فرماید که ﴿إنا کنا نستنسخ ما کنتم تعملون﴾^{۳۵} به روایتی که ذیل این آیه است حتماً مراجعه کنید که وجود مبارک معصوم سلام الله علیه این خط فکری را ایجاد کرد و این راه را نشان داد بعد سیدنا الاستاد ادامه داد که وجود مبارک معصوم می فرماید که مگر شما عرب فصیح نیستید مگر هیچ کاتبی را مستنسخ می گویند مستنسخ یعنی نسخه بردار آن نسخه اصل کجاست؟ اگر نسخه اصل عمل مردم باشد باید بفرماید ما از روی کار شما استنساخ می کنیم این را که نفرمود پس استنساخ نسخه اصل می طلبد يك، اگر نسخه اصل کار مردم باشد باید خدا بفرماید که ما از روی کار شما نسخه می گرفتیم در حالیکه نفرمود این دو، نه تنها آن را نفرمود بلکه فرمود آن که مستنسخ ماست متن کار شماست پس يك مستنسخ

۳۳ - بقره، ۱۰۱.

۳۴ - فتح، ۴ و ۷.

۳۵ - جاثیه، ۲۹.

عنهى هست سه، و آن لدینا می‌کرون است چهار. نسخه اصل پیش ماست ما تصمیم گرفتیم این شخص را با قلم او بگیریم و او سقوط می‌کند.

سوال و جواب: بله اینها چون ذات اقدس اله این جزو صفات نقص باشد بله ولی از صفات فعل خداست يك، مثل اینکه خدای سبحان کسی را ایدای ابتدایی نمی‌کند اما ﴿جزاء سیئة سیئة مثلها﴾^{۳۶} و این عدل است مکر فرمود و ﴿مکروا و مکرا لله و الله خیر الماکرین﴾^{۳۷} در جوشن کبیر است در دعاهاى دیگر هست که خدا ماکر است و در قرآن دارد که خداوند خیر الماکرین است آن مکر السیئ از ذات اقدس اله دور است مکر یعنی وسیله‌ای قرار دادن که این شخص به آن مقصد نرسد و مرموز هم باشد این اگر بجا باشد که چیز خیلی خوبی است.

سوال جواب: چه دنیا چه آخرت مکر به این معنی که ذات اقدس اله نگذارد يك تبهکاری به مقصد برسد این جزء حسنات است مکر الیسئ از ذات اقدس اله دور است اولاً اینها صفت فعل است نه ذات ثانیاً مکر سیئ داریم و مکر حسن و خدای سبحان خود را به عنوان خیر الماکرین معرفی کرده‌است فرمود ما خیر الماکرین هستیم مکر اینها پیش ما است ﴿قل الله أسرع مکرراً﴾ و راه مکرش هم همین است.

سوال و جواب: بله به استناد این آیه. اما ابزار در اختیار ذات اقدس اله است و خداوند يك مدتی به اینها مهلت می‌دهد و اینطور نیست که اینها را مجبور کند و این ابزار از کار بی‌افتند این ابزار را مسخر انسان قرار داده فرمود ﴿سخر لکم ما فی السموات وما فی الأرض﴾^{۳۸} همین موجودات آسمان و زمین که جنود الهی هستند ذات اقدس اله این جنود را مسخر بشر قرار داده که بشر از آن استفاده کند چه آسمان برود چه زمین برود فرمود شما می‌توانید

۳۶ - شوری، ۴۰.

۳۷ - آل عمران، ۵۴.

۳۸ - لقمان، ۲۰.

کشتی هایی بسازید که مواخر ره باشد دریا شکن و دریا شکاف باشد ما بحر را آسمان را و زمین را برای شما مسخر کردیم برای اینکه عمل صالح کنید و امثال آن حالا اگر يك کسی از این تسخیر الهی خواست سوء استفاده کند اینطور نیست که حالا اگر دار الامر بین عاصی و بین الله اینها دیگر حرفهای این عاصی را گوش نکنند آنگاه است که ذات اقدس اله براساس ﴿وَلِلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ﴾^{۳۹} بدون اینکه از جای دیگر لشکرکشی کند شخص را با افکار و عقائد و اندیشه های سوئی که دارد با دست او او را می گیرند ﴿وَ اِذَا اَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَّاءٍ مَّسْتَهْمٍ اِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِیْ اٰیٰتِنَا﴾ حالا يك وقتی يك کسی دسیسه بازی می کند کم فروشی می کند گران فروشی می کند ظلم به کسی می کند تا يك حدودی ذات اقدس اله گذشت می کند بلکه توبه کند بلکه صاحب حق بگذرد و مانند آن اما حالا دین را بخواهند براندازی کنند یادر آیات الهی مکر بکنند اینجا دیگر خدا مهلت نمی دهد ﴿قُلِ اللّٰهُ اَسْرَعُ مَكْرًا﴾ چگونه و به چه دلیل؟ برای اینکه ﴿اِنَّ رَسَلَنَا یٰکَتُبُوْنَ﴾ دیگر فوراً از غیبت به خطاب التفات پیدا کرد چون همه غیبت بود اینجا يك تهدید رودر روست ﴿اِنَّ رَسَلَنَا یٰکَتُبُوْنَ مَا تَمَكُرُوْنَ﴾ نه می کرون تا حالا هرچه ضمیر بود غایب بود اما اینجا تهدید رو در روست چگونه یکتبون ﴿اِنَّا کُنَّا فَسْتَنَسَخْ مَا کُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ﴾^{۴۰} شما همان وقتی که پشت درهای بسته قصد براندازی کردید ببینید که زیر پایتان خالی شد دارید می افتید برای اینکه کسی خواست شما را بگیرد و چون می خواست شما را بگیرد این کار را می کنید همان وقتی که انسان قصد کرده در برابر دین بایستد این باید بفهمد که اینها مأموران الهی هستند آمدند که او را ساقط کنند با دست او او را ساقط می کنند اگر دیگری او را ساقط کند عذابش کم است اما با دست او اگر او ساقط کند ﴿یَوْمَ یُعْضُ الزَّالِمُ عَلٰی یَدِیْهِ﴾^{۴۱} اگر

۳۹ - فتح، ۴ و ۷.

۴۰ - جاثیه، ۲۹.

۴۱ - فرقان، ۲۷.

کسی خدای ناکرده به فکر مکر در آیات الهی است باید بداند که يك کسی زیر پایش را دارد خالی می‌کند و خدای سبحان هم تهدید کرد فرمود ما يك مدتی مهلت می‌دهیم وقتی هم بخواهیم بگیریم که از سقف و در و پنجره نمی‌آییم که ﴿فَأَتَى اللَّهَ بَنِيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ﴾^{۴۲} فرمود ما از ریشه می‌زنیم خوب این از کجا می‌خواهد فرار کند اگر این زمین این خانه روی گسل لرزان زمینی قرار بگیرد خوب جا برای فرار نیست ﴿فَأَتَى اللَّهَ بَنِيَانَهُمْ﴾ نه من سقوفهم و جدراهم و حیطانهم و أبوابهم بلکه ﴿فَأَتَى اللَّهَ بَنِيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ﴾^{۴۳}.

حالا گناه وقتی به آنجا برسد چه چیزی را خدا مهلت داد گناه‌های فرعی و جزئی يك وقتی کسی معصیت کرده اینها خوب قابل بخشش یا قابل تأخیر است که ذات اقدس إله در قیامت پاداش بدهد و مانند آن حالا شاید توبه کند یا عند الموت یا عند الاحتضار یا عند البرزخ یا در قیامت که يك راهی برای تأخیر هست اما حالا ﴿مَكْرَ فِي آيَاتِنَا﴾ بخواهد با دین در بی‌افتد این را خدا مهلت نمی‌دهد. أعاذ الله من شرور أنفسنا وسيئات أعمالنا.

الحمد لله رب العالمين